

“The merging ability of persian complex verb”

Hengameh Vaezi*

This research provides a comprehensive descriptive analysis of persian complex verbs in the view of minimalists. It should be mentioned that these complex verbs have two hosts by the light verb (head). This study is to present a classification in regarding to their lexical and semantic relations. In these complex verbs, two hosts have their own meanings. Four types were recognized in this research. Those are as follows:

1. Two hosts are synonymous. Semantic markedness can be recognized between them. e.g. geryeh – o- zari kardan

châp – o – montašer kardan

2. Two hosts are opposites. Distributional markedness can be recognized between them. e.g. kam – o – ziyad kardan

Bâlâ – o – pâien kardan

3. two hosts are adjectives. An adjective plus its own comparative form.

e.g. Dur – o – Durtar šodan

Adj + and + comparative form of the adjective

It can be formed by reduplication (complete reduplication).

e.g. Durtar – o – Durtar šodan

4. One host is chiefly related to another one, that is, one can semantically complete the other one. Complementary relative can be recognized. They both share their features.

e.g. Hal – o – Hoseleh dâštan

* M.A. graduate in Linguistics , Azad University

ترکیب‌پذیری افعال مرکب در زبان فارسی معاصر

هنگامه واعظی^۱

چکیده

در این تحقیق، نحوه تشکیل یک سری از افعال مرکب دوتایی در چارچوب کلی مینیمالیست‌ها (کمینگی) بررسی می‌گردد. هدف از این کار مطالعه ساختاری - معنایی این نوع افعال و دستیابی به روابط معنایی و واژگانی میان اجزاء تشکیل‌دهنده آنهاست. منظور از افعال مرکب دوتایی، افعال مرکبی است که دو وابسته (پایه واژگانی^۲) قبل از هسته (عنصر فعلی) آنها قرار دارد. این افعال مرکب دوتایی در چهار گروه طبقه‌بندی می‌شوند:

گروه اول: رابطه واژگانی میان دو وابسته از نوع هم‌معنایی نسبی است و رابطه معنایی آنها از نوع نشان‌داری معنایی است.

گروه دوم: رابطه واژگانی آنها از نوع تقابلی است و رابطه معنایی آنها از نوع نشان‌داری توزیعی است.

گروه سوم: رابطه معنایی آنها از نوع نشان‌داری صوری است.

گروه چهارم: رابطه معنایی آنها از نوع تکمیلی است و حوزه کاربردی دو وابسته قبل از هسته یکسان است. بعنوان نتیجه کلی می‌توان گفت که در تمامی این افعال دوتایی صورت بی‌نشان دور از هسته و صورت نشان‌دار نزدیک به هسته قرار گرفته است.

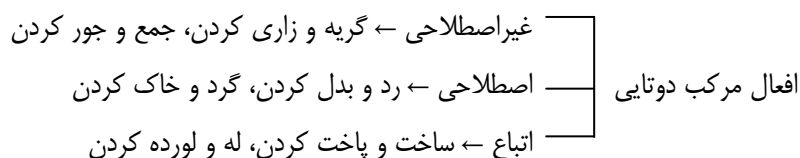
واژه‌های کلیدی: ۱- افعال مرکب ۲- کمینگی ۳- پایه واژگانی ۴- فعل سبک

۱- کارشناس ارشد زبانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی

۱- مقدمه

از دیرباز مقوله افعال مرکب فارسی مورد توجه و توصیف دستورنویسان ایرانی و غیرایرانی و نیز زبانشناسان با علائق نظری گوناگون قرار گرفته است. به اعتقاد برخی از دستورنویسان، از قرن هفتم به بعد پیشوندهای فعلی به تدریج از رواج افتاده و فعل مرکب جای آنها را گرفته است. در فارسی امروز تنها بعضی از فعل‌های پیشوندی به کار می‌رود و در ذهن اهل زبان، تمامی آنها در حکم فعل ساده است یعنی به عملکرد پیشوندها اهمیتی داده نمی‌شود. آنچه مسلم است این است که افعال مرکب در فارسی امروز جای بسیاری از فعل‌های ساده و پیشوندی را گرفته‌اند. شمار بسیاری از فعل‌های ساده در فارسی امروز به کلی متروک و به جای آنها فعل مرکب به کار می‌رود. خانلری (۱۳۶۵) می‌نویسد، فعل مرکب در نوشته‌های پهلوی نیز دیده شده است ولی تعداد آنها زیاد نیست. در تعریف افعال مرکب اختلافات بسیاری میان دستورنویسان و زبانشناسان وجود دارد. علیرغم وجود این اختلافات، آنچه میان آنها مشترک است این است که همگی آنها ساختمان فعل مرکب را متشکل از دو جزء می‌دانند، جزء اول را پایه واژگانی و جزء دوم را تحت عناوین مختلف همکرد، فعل معین فرعی، فعل کمکی، عناصر فعلی، کنش‌ساز، اسناد و فعل سبک^۱ می‌نامند. از دیدگاه آنها جزء فعلی معمولاً معنی اصلی خود را از دست می‌دهد تا در فعل مرکب مفهوم تازه‌ای بیابد. بعد از تعریف کلی از افعال مرکب که تنها یک وابسته دارند، امروزه وجود افعال مرکب دیگر با دو وابسته را می‌توان به وضوح مشاهده کرد. این افعال را می‌توان افعال مرکب دوتایی نام نهاد. لازم به ذکر است که این افعال مرکب دوتایی خود انواع مختلفی را شامل می‌شود.

به نمودار زیر توجه نمائید:



در این تحقیق تنها نوع اول این افعال یعنی مورد غیراصطلاحی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در نوع غیراصطلاحی هر کدام از پایه‌های واژگانی، معنی اصلی خود را به ذهن می‌رسانند. لذا ضمن تعریف کلی و طبقه‌بندی ساختاری از این نوع افعال از دیدگاه مینیمالیست‌ها، رابطه معنایی و واژگانی هر یک از عناصر وابسته مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۲. ارائه داده‌ها

کردن

باز و بسته کردن / چاپ و منتشر کردن / امر و نهی کردن / قهر و آشتی کردن / جمع و جور کردن / زیر و رو کردن / ناله و نفرین کردن / پیشرفت و ترقی کردن / داد و فریاد کردن / شک و تردید کردن / تجزیه و تحلیل کردن / بحث و جدل کردن / کمک و یاری کردن / کم و زیاد کردن / سرگردان و آواره کردن / لج و لجبازی کردن / سعی و تلاش کردن / داد و بیداد کردن / صبر و تحمل کردن / شکوه و شکایت کردن / گریه و زاری کردن / مرتب و منظم کردن / تحسین و تمجید کردن / تشویق و تحسین کردن / تشکر و سپاسگزاری کردن / مراقبت و نگهداری کردن / گله و شکایت کردن / بحث و گفتگو کردن / ظلم و ستم کردن / گرم و سرد کردن / خرید و فروش کردن / فکر و خیال کردن / جلو و عقب کردن / خوار و ذلیل کردن / خم و راست کردن / رشد و نمو کردن / کج و راست کردن / کار و کوشش کردن / ناله و نفرین کردن / شکوه و ناله کردن / فریاد و فغان کردن / سؤال و جواب کردن / جمع و تفریق کردن / مشاجره و کتک‌کاری کردن / تمجید و ستایش کردن

نمودن

حل و فصل نمودن / شاد و راضی نمودن / کمک و یاری نمودن / تعریف و تبیین نمودن

شدن

دور و دورتر شدن / کمتر و کمتر شدن / کم و زیاد شدن / بالا و پایین شدن / محو و نابود شدن / ناراحت و غمگین شدن / عصبی و مشوش شدن / فدا و قربانی شدن / دلواپس و نگران شدن / جفت و جور شدن / کوچک و کوچکتر شدن

بودن

عجیب و غریب بودن / راضی و خشنود بودن / آشکار و پنهان بودن / مواظب و مراقب بودن / لازم و ضروری بودن / غافل و بی‌خبر بودن / گرفته و عبوس بودن / مات و سرگشته بودن / لازم و ملزوم بودن

داشتن

حال و حوصله داشتن / کم و کسر داشتن / نظم و ترتیب داشتن / سر و ته داشتن / گرایش و تمایل داشتن / صبر و حوصله داشتن / علاقه و توجه داشتن / صبر و تحمل داشتن

یافتن

رشد و تکامل یافتن / ظهور و تجلی یافتن / تحول و تکامل یافتن / بسط و قوام یافتن

گرفتن

سرسری و راحت گرفتن

۳. بررسی داده‌ها بر مبنای ساختاری

پایه واژگانی + حرف عطف + پایه واژگانی + فعل سبک (عنصر فعلی)
 آنگونه که داده‌ها نشان می‌دهند در این گونه افعال مرکب دو وابسته برای یک عنصر فعلی وجود دارد. هر کدام از وابسته‌ها می‌توانند پس از تقطیع خود یک فعل مرکب یا یک فعل بسیط بسازند مانند:

گریه و زاری کردن ← گریه کردن / زاری کردن

خرید و فروش کردن ← خریدن / فروختن

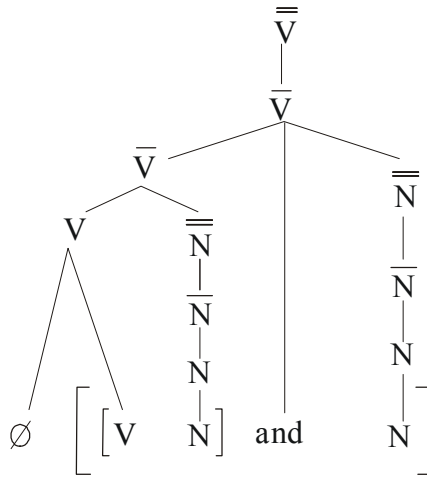
پس از تقطیع معنی اولیه خود را حفظ کرده‌اند و معنای اصطلاحی ندارند.

۴. بررسی این افعال بر پایه عملیات ادغام^۱

$$\text{lightverb } V + \bar{N} \rightarrow \bar{V}$$

$$\bar{V} + \text{and} + \bar{N} \rightarrow \bar{V}$$

$$\bar{V} \rightarrow \bar{V}$$

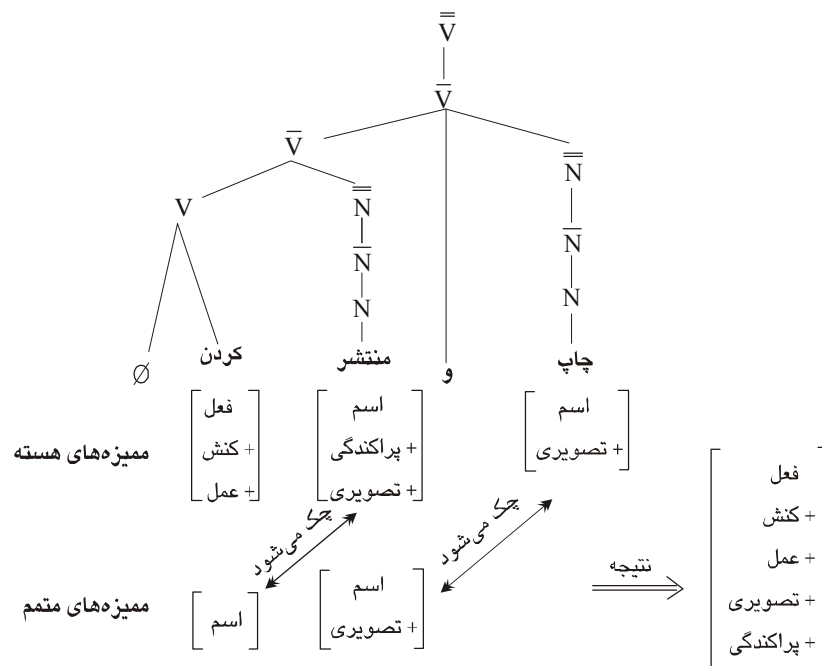


۱- عملیات ادغام (merging). رجوع شود به کتاب Radford 1997, *Syntax, An Introduction to Minimalism*, 1997 دو مقوله با یکدیگر ترکیب می‌شوند تا یک مقوله‌ی بزرگتری را تشکیل دهند.

از آن جایی که حرکت به سمت بالا صورت می‌گیرد، عملیات ادغام در واقع از فعل سبک آغاز می‌شود و به ترتیب با وابسته‌های خود ترکیب می‌گردد. البته این عمل در صورتی انجام‌پذیر است که تمامی مشخصه‌های این عناصر با یکدیگر هماهنگی داشته باشند. در صورتی که تمامی مشخصه‌های غیرقابل تغییر حذف شوند و عناصر تعبیرپذیر باقی بمانند، صورت درستی از افعال به دست می‌آید. منظور از محک زدن مشخصه‌ها^۱، مشخصه‌هایی معنایی است ولی تنها چک کردن آنها کافی نیست زیرا طبقه دستوری آن وابسته‌ها هم باید در نظر گرفته شوند. در این بررسی تنها ممیزه‌های هسته و ممیزه‌های متمم را در نظر می‌گیریم، به این مفهوم که ممیزه‌های هر کدام به تنهایی کدام است و هسته به چه نوع وابسته‌ای نیاز دارد و با چه مشخصاتی وابسته اول خود را انتخاب می‌کند و پس از آن نیز وابسته دوم بر مبنای وابسته اول انتخاب می‌گردد.

۵. طبقه‌بندی انواع افعال مرکب دوتایی

نوع اول: چاپ و منتشر کردن



در این فعل مرکب همانطور که نمایان است، فعل سبک "کردن" دارای مشخصه‌های معنایی "کنش و عمل" است که این فعل سبک به یک اسم نیاز دارد که همان وابسته اول خود است یعنی "منتشر". "منتشر" مشخصه‌های معنایی خود را داراست و تا چیزی چاپ نشود منتشر نمی‌گردد. وابسته اول یعنی منتشر، وابسته بعدی را که در ابتدا قرار می‌گیرد برمی‌گزیند. اینطور به نظر می‌رسد که "منتشر" خود یک مشخصه بیش از "چاپ" دارد و در کنار هسته قرار گرفته

است. و رابطه معنایی میان آنها از نوع نشان‌داری معنایی است به این مفهوم که “منتشر” خود “چاپ” را نیز دربرمی‌گیرد.

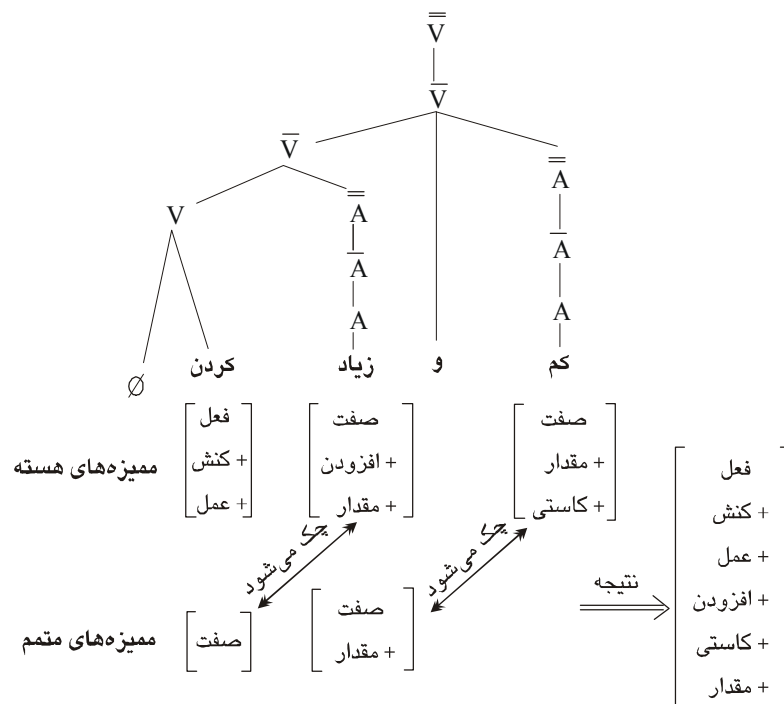
جمع‌بندی ویژگی‌های نوع اول

- ۱- تعداد آنها بیش از انواع دیگر است.
- ۲- شکل بی‌نشان دورتر از هسته (فعل سبک) قرار می‌گیرد.
- ۳- شکل نشان‌دار نزدیک هسته قرار می‌گیرد.
- ۴- شکل نهایی فعل با دو وابسته تأکید بیشتر را نشان می‌دهد.
- ۵- به لحاظ هجایی معمولاً کلمه‌ای که هجای کمتری دارد در ابتدا و کلمه‌ای که هجای بیشتری دارد در کنار فعل سبک قرار می‌گیرد.
- ۶- دو وابسته، هم‌معناهای نسبی هستند.

افعالی که در زیر چتر نوع اول قرار می‌گیرند عبارتند از:

چاپ و منتشر کردن - ناله و نفرین کردن - جمع و جور کردن - کمک و همکاری کردن - درک و احساس کردن - راضی و خشنود بودن - غافل و بی‌خبر بودن - گریه و زاری کردن و ...

نوع دوم: کم و زیاد کردن



اگر بخواهیم جمع‌بندی کلی از ویژگی‌های نوع دوم داشته باشیم می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

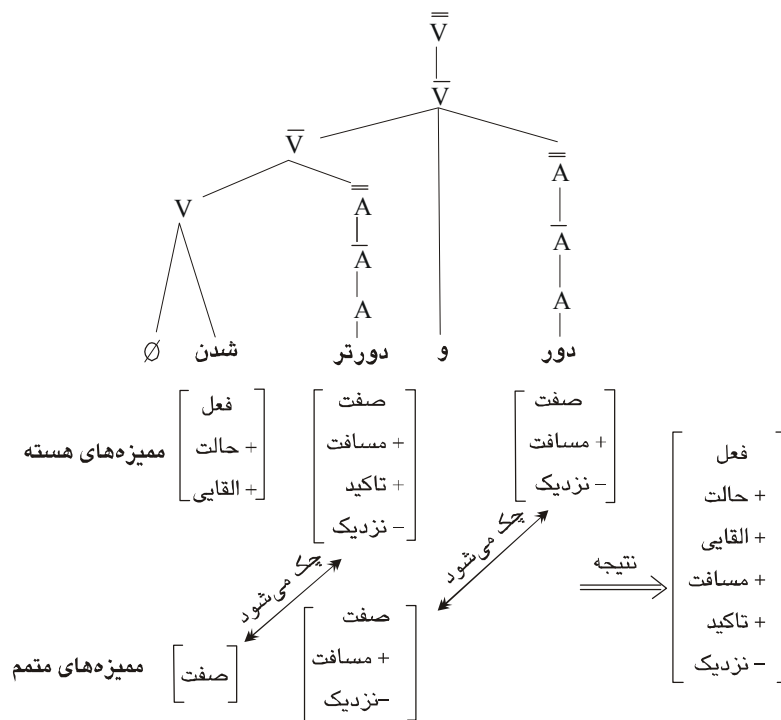
- ۱- شکل بی‌نشان دورتر از هسته قرار می‌گیرد.
- ۲- شکل نشان‌دار در کنار هسته قرار می‌گیرد.
- ۳- فعل نهایی تأکید بیشتر را نشان می‌دهد.
- ۴- رابطه نشان‌داری توزیعی را می‌توان میان دو وابسته مشاهده کرد. به طوری که کلمه اول یعنی "کم" به لحاظ توزیعی و بسامد بیش از "زیاد" در انواع واژه‌سازی به کار می‌رود مانند کم‌رو - کم‌حوصله - کم‌کار - کم‌هوش ...

۵- جفت وابسته‌های این نوع، متضاد یکدیگر هستند یعنی رابطه واژگانی آنها از نوع تقابلی است.

افعالی که در زیر چتر نوع دوم قرار می‌گیرند عبارتند از:

کم و زیاد کردن، بالا و پائین کردن، زیرو رو کردن، گرم و سرد کردن، سؤال و جواب کردن، جمع و تفریق کردن و ...

نوع سوم: دور و دورتر شدن



جمع‌بندی ویژگی‌های نوع سوم

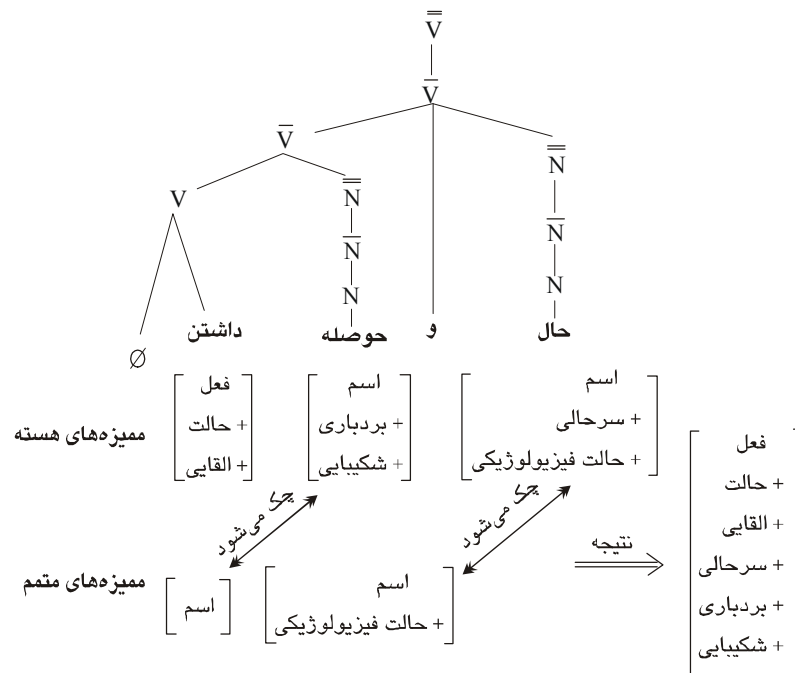
- ۱- شکل بی‌نشان دورتر از هسته قرار می‌گیرد.
- ۲- شکل نشان‌دار نزدیک هسته قرار می‌گیرد.
- ۳- رابطه نشان‌داری صوری را می‌توان میان دو وابسته مشاهده کرد.
- ۴- فعل مرکب ساخته شده تأکید بیشتری را نشان می‌دهد

گاه این نوع از افعال را می‌توان به صورت تکرار کامل نیز مشاهده کرد "دورتر و دورتر شدن" که تفاوت آن با "دور و دورتر شدن" به لحاظ ساختاری در این است که در اولی تنها یک تکرار کامل بطور مکانیکی رخ داده که به لحاظ آوایی یک وزن را پدید آورده است و صورت تأکیدی آن بیش از "دور و دورتر شدن" می‌باشد. در مورد نوع سوم اختلاف نظرهای بسیاری وجود دارد. برخی این دسته از افعال را به عنوان فعل مرکب نمی‌پذیرند که در اینجا مجال بحث آن نیست.

افعالی که زیر چتر سوم قرار می‌گیرند عبارتند از:

کم و کمتر شدن / بزرگ و بزرگتر شدن / کمتر و کمتر شدن / دور و دورتر شدن

نوع چهارم: حال و حوصله داشتن



در مورد قرار گرفتن وابسته بی‌نشان در ابتدا در بعضی از موارد کاملاً نمی‌توان به راحتی شکل نشان‌دار را تشخیص داد. در این نوع افعال هر دو وابسته به نوعی مکمل یکدیگرند شاید بتوان یک نوع رابطه تکمیلی نام نهاد که پس از گزینش "حوصله"، "حال" یک سری از مشخصه‌های دیگر را به آن می‌افزاید و هر دو به روی هم به فعل معنا می‌بخشند.

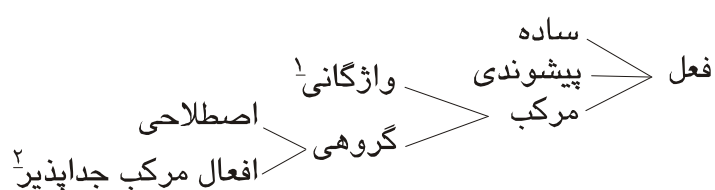
در مورد نوع چهارم می‌توان چنین جمع‌بندی‌هایی از ویژگی‌های آن ارائه داد:

۱- نوعی رابطه تکمیلی میان دو وابسته وجود دارد، به این معنا که یک وابسته مکمل وابسته دیگر است.

۲- فعل نهائی تأکید بیشتر را نشان می‌دهد.

افعالی که زیر چترنوع چهارم قرار می‌گیرند عبارتند از:
حال و حوصله داشتن / هدف و انگیزه داشتن / حل و فصل نمودن و غیره.

نتیجه



- ۱- افعال مرکب واژگانی ← افعال مرکبی که در ذهن گویندگان همانند واژه‌های بسیط وجود دارند مانند گول خوردن یا گول زدن. این افعال پس از ترکیب در ذهن قرار می‌گیرند که نام دیگر این افعال را می‌توان افعال مرکب جداناپذیر نام نهاد.
- ۲- افعال مرکب دوتائی جداپذیر ← افعال مرکبی که متشکل از دو وابسته هستند که خود به تنهایی یک فعل مرکب یا یک فعل بسیط را می‌سازند.
الف) تأکید بیشتر را در نوشتار و گفتار نشان می‌دهند.
ب) به سه صورت ساخته می‌شوند:
 - ۱- ترکیب یک وابسته با خودش (تکرار کامل)
 - ۲- ترکیب یک وابسته با وابسته دیگر که خود سه حالت را شامل می‌شود:
 - الف - دو صورت متضاد
 - ب - هم معنای نسبی
 - ج - مکمل یکدیگر
 - ۳- ترکیب یک وابسته با صفت برتر خود ← صفت + صفت برتر خود

امروزه این افعال در متون ترجمه شده یا گفتار روزمره بسیار به چشم می‌خورند. آنطور که نمایان است اینگونه از افعال هنوز وارد نوشتار رسمی نشده است. طبق الگوی ارائه شده از افعال، در تمامی آنها تکیه وابسته‌ها تغییری نمی‌کند. هر وابسته تکیه خود را داراست اما برای نمایان کردن تأکید بیشتر وابسته دوم یعنی وابسته‌ای که نزدیک به هسته قرار دارد معمولاً با شدت بیشتری ادا می‌شود.

کتابنامه

- ۱- دبیر مقدم، محمد. ۱۳۷۶. فعل مرکب در زبان فارسی. مجله زبان‌شناسی، س ۱۲، ش ۱ و ۲، ۲۳ و ۲۴.
- ۲- عاصی، مصطفی. ۱۳۶۷. نقش ترکیب در گسترش واژگان زبان فارسی. مجله فرهنگ، ش ۱۰.
- ۳- فرشید رود، خسرو. ۱۳۷۲. ساختمان دستوری و تحلیل معنایی اصطلاحات علمی و فنی. مجموعه مقالات سمینار زبان علم و زبان‌شناسی، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۴- طبیب‌زاده، امیر. ۱۳۷۳. افعال اصطلاحی. س ۱۴ ش ۴. نشر دانش.
- ۵- مشکوه‌الدینی، مهدی. ۱۳۵۷. ویژگی‌های نحوی و معنایی فعل‌های مرکب در فارسی. مجله فردوسی مشهد. س ۱۴ ش ۳.
- ۶- لازار، پیسکوف. ۱۳۷۱. سخنی چند راجع به مناسبات کلمه‌سازی اسم و فعل در فارسی. مجله سخن، دوره ۲۰ ش ۱۲.
7. Goldberg, Adele.E. "Words by default: Optimizing Constraint and the persian Complex predicate. 1997. University of California.
8. Jones, William. 1828. A grammar of the persian language. London. W. Nicol.
9. Miller, D. Gary. 1983. Complex verb formation. Amesterdam: John Benjamins Publishing Company.
10. Mohammad, Jan and Simin Karimi. 1992. "Light verbs are taking over: Complex verbs in persian". Proceeding of the western Conference on linguistics (WE COL) 5.
11. Radford, 1997, "Syntax. An Introduction to minimalism".